

طول عمر دنیا از دیدگاه تفسیری ملاصدرا

سیدمحسن موسوی* محمود دیانی** هاجر اسدی***

چکیده

پایان عمر دنیا و تعیین طول عمر آن از مسائل بسیار بحث‌برانگیزی است که از دیرباز ذهن بشر را به خود مشغول کرده است. نظریات مطرح شده درباره‌ی این موضوع حاکی از وجود اختلاف فراوان در این باره است. در این میان، نظریه‌ی صدرالمتألهین شیرازی از حیث برجستگی علمی این صاحب‌نظر، ذهن مخاطب را به خویش مشغول می‌سازد. وی با استناد به برخی آیات قرآن، طول عمر دنیا را تعیین کرده است؛ لیکن به نظر می‌رسد تاکنون نظریه‌ی وی مورد واکاوی علمی قرار نگرفته است. پژوهش پیش رو به دنبال آن است تا با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، دیدگاه ملاصدرا درباره‌ی طول عمر دنیا را از میان آرای تفسیری وی استخراج و تبیین نماید. این نوشتار ضمن بیان مبانی تفسیری ملاصدرا در این باره، اشکالاتی بر رأی تفسیری وی مطرح می‌نماید تا بدین وسیله، میزان اتقان این نظر مکشوف گردد. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از ناستواری این نظریه به سبب وجود سه اشکال عمده و اساسی است که ظاهراً با یافته‌های علمی و روایات اسلامی ناسازگاری است.

واژه‌های کلیدی: ۱- خلقت، ۲- زمان، ۳- عمر دنیا، ۴- قیامت، ۵- ملاصدرا.

۱. مقدمه

کشف رموز هستی از انگیزه‌های مهم بشری به حساب می‌آید. در این میان، مسأله‌ی زمان پایان دنیا و تعیین طول عمر آن از جمله مسائلی است که از دیرباز، ذهن بشر را

* m.musavi@umz.ac.ir

** mahmooddayani@yahoo.com

*** theology87@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۱۹

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران

*** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۲۴

سخت به خود معطوف کرده است، همچنان که بسیاری از آیات قرآن مربوط به سؤال مردم از پیامبران الهی در باب زمان فرارسیدن قیامت و پایان عالم دنیا است. این مشغولیت ذهنی انسان تا بدان جاست که هرازچندگاهی نظریات و پیشگویی‌هایی، چه در فضای علمی و چه غیرعلمی، موجبات تعجب و تحیر بشر را فراهم می‌سازد.

اقوال مطرح‌شده در باب طول عمر دنیا حاکی از وجود اختلاف فراوان در این باره است، تاجایی که برخی اندیشمندان مسلمان قائل به سکوت در این باره شده‌اند (۲ و ۳، ج ۱۰، ص: ۱۹۵).^۱ از طرفی، آیات قرآن صریحاً متعرض این بحث نشده است، لیکن از فحوای کلام الهی^۲ و نیز روایات، فهم می‌شود که اکنون بشر در دوره‌های پایانی عمر دنیا یا به عبارتی در سرآشویی دنیا به سر می‌برد (۳۰، ج ۷، ص: ۷۰۰). در میان نظریات گوناگون ارائه‌شده از سوی مذاهب و مکاتب مختلف، آنچه برجسته‌تر به نظر می‌رسد رأی تفسیری صدرالمآلهین شیرازی مبنی بر عمر هفت‌هزار ساله‌ی دنیا است که در کتب تفسیری^۳ خویش، بدان اشاره نموده است. او برخی آیات را که در بردارنده‌ی عبارات قرآنی «سته ایام» و «استواء علی العرش» است اشاره‌ای به مدت عمر دنیا می‌داند و ذیل این آیات، نظر خویش را بسط می‌دهد. البته شایان ذکر است که اکثر اخباریان مسلمان (۲ و ۳، ج ۱۰، ص: ۱۹۷) نیز با تکیه بر بعضی روایات، نه آیات قرآن، سته ایام را بیانگر طول عمر عالم می‌دانند.

از یک سو تاکنون پژوهش علمی جامعی در باب این نظر و بررسی صحت و سقم آن صورت نگرفته است و از طرفی، شخصیت ملاصدرا دارای جایگاه رفیع علمی، عرفانی و فلسفی در جهان اسلام است؛ لذا نظر وی در خور تأمل و بررسی علمی است و نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذر کرد. پس با توجه به اهمیت این موضوع در مجامع علمی و نیز برای کنکاش در باب دیدگاه قرآن در این باره، پژوهش حاضر سعی دارد با روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر رویکرد اسنادی کتابخانه‌ای و منابع الکترونیکی، دیدگاه تفسیری ملاصدرا در باب طول عمر دنیا را از کتاب تفسیرش ذیل آیات مربوط به «سته ایام» در سوره‌های سجده و حدید استخراج و سپس تبیین نماید و ضمن بیان مبانی و ادله‌ی تفسیری او در این باره، اشکالات و کاستی‌های این رأی را مطرح کند تا بدین ترتیب، اتقان یا سستی این نظر روشن گردد.

درک هرچه بیشتر این مقال در گرو بیان نظریه‌ی ملاصدرا درباره‌ی بار معنایی «خلقت» در این دسته از آیات می‌باشد.

۲. رابطه‌ی خلقت با طول عمر دنیا از دیدگاه صدرالمآلهین

ممکن است در آغاز، این سؤال در ذهن ایجاد شود که ارتباط میان بحث خلقت در آیات مورد بحث با طول عمر دنیا از کجا به دست می‌آید. اکثر مفسران مراد از خلقت در

این مقام را ساخته شدن آسمان‌ها و زمین در شش روز (صرف نظر از معنای روز از دیدگاه آنان) می‌دانند که پس از آن، هزاران سال تا به امروز باقی هستند (از باب نمونه، نک: ج ۱۰، ص: ۲۲۴). بر اساس دیدگاه ملاصدرا در این باره، از آن‌رو که آسمان و زمین و عالم جسمانی، موجودات محسوس مادی هستند، اموری تدریجی‌الوجود و زمان‌بردارند و هر تدریجی‌الوجودی زمان خلق یا حدوثش همان زمان ثبوت و استمرار و بقایش است و بقای آن نیز همان خلق تدریجی اوست (۱۹، ج ۶، ص: ۳۳؛ ۱۶، ص: ۸۸؛ ۱۷، ص: ۱۷ و ۱۸، ص: ۹۲). لذا خلقت این عالم در شش روز واقع شده که مدت عمر آن محسوب می‌شود؛ چراکه زمان بقای یک موجود زمان‌دار برابر با مجموع زمان‌های حدوث آن است (۲۵، ص: ۵۲۴). نظر صدرالدین شیرازی در این باب، مبتنی بر اصل مهم فلسفی او یعنی حرکت جوهری است.

برای درک روشن‌تر این مسأله، مقدماتی در پی می‌آید:

۱. اطلاق حرکت به یک شیء زمانی صحیح است که در یکی از مقولات آن شیء (مانند کم و کیف و...) تغییری رخ دهد؛
۲. مقولاتی که حرکت در آن‌ها واقع می‌شود دارای دو نوع فرد هستند: فرد آنی و فرد زمانی؛

۳. تحقق وجود یک فرد زمانی نیاز به طول زمان دارد و بر اثر تحقق آن فرد، تغییر در آن شیء مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، نحوه وجود افراد زمان‌دار به این صورت است که به هیچ وجه اجزای آن با یکدیگر جمع نمی‌شوند و در هر لحظه، یک جزء تحقق می‌یابد و در همان لحظه، یک جزء معدوم می‌شود؛ یعنی هر موجود زمان‌دار اجزایی بالقوه دارد که در طول زمان، پی‌درپی موجود می‌شوند؛ لذا موجود زمان‌دار را نمی‌توان مخلوق نامید، مادامی که تمام اجزای بالقوه آن به تدریج حاصل و معدوم نشده باشند. بنابراین زمان خلق و حدوث این عالم ماده، که موجودی زمانی و تدریجی‌الوصول است، به مدت زمان تحقق همه‌ی اجزای آن در طول زمان بستگی دارد و هر مقدار که وجودیافتن آن طول بکشد، حدوث و خلق آن نیز به همان مقدار طول می‌کشد (۲۷، ص: ۹۶).

۳. تبیین نظریه‌ی ملاصدرا در باب طول عمر دنیا

حکیم شیرازی ذیل آیه‌ی چهارم از سوره‌های سجده^۴ و حدید^۵، که به موضوع آفرینش شش‌روزه اشاره کرده است،^۶ مراد از واژه‌ی «یوم» را روز دنیایی نمی‌داند که هر روز آن با گردش زمین به دور خودش پایان می‌یابد؛ بلکه «یوم الله» می‌داند که مقدار هر روز آن نسبت به زمان دنیا، برابر با هزار سال است. وی از این روز، با عنوان «یوم ربوبی» یاد می‌کند که غیر از «یوم معارجی» است که مدت آن برابر با پنجاه هزار سال دنیوی است.

به این ترتیب، شش روز ربوبی طول زمان خلقت آسمان‌ها و زمین و مابین آنهاست که با انطباق آن بر زمان دنیایی، برابر با شش هزار سال خواهد بود. وی معتقد است در هریک از شش روز، ولادت یکی از پیامبران شش‌گانه‌ی عظام (آدم(ع)، نوح(ع)، ابراهیم(ع)، موسی(ع)، عیسی(ع) و محمد(ص)) رخ داده است. ملاصدرا این دوره‌ی شش هزار ساله را مربوط به زمان خلقت آدم(ع) تا حضرت محمد(ص) می‌داند. از ظاهر کلام وی فهمیده می‌شود که آغاز پیدایش عالم کائنات، مقارن با خلقت آدم(ع) و فرزندان اوست.

صدرالمتألهین ایام شش‌گانه را دوران نهان شدن ذات اقدس الاهی در پس حجاب اشیاء می‌داند که از آن با عنوان «دوران اختفا» یاد می‌کند. در این برهه از زمان، نفوس شریف انسانی به واسطه‌ی انبیای عظام الاهی از مرتبه‌ی اسفل السافلین به مرتبه‌ی اعلی‌ علیین صعود می‌نمایند. وی در تعلیل این مسأله که چرا خداوند انتهای خلق عالم جسمانی یا موجودات جهانی (آسمان و زمین و مابین آن) را تا زمان حضرت محمد(ص) و آغاز بعثت وی می‌داند، در حالی که در ظاهر چنین نیست، اظهار می‌کند این تحدید زمان اعتباری است؛ یعنی خداوند به اعتبار آن که گویی خلقت موجودات جهانی با آفرینش وجود پیامبر (ص) و آغاز رسالت ایشان تکمیل می‌گردد، چنین فرموده است (۱۷، ص: ۶۸).

افزون بر این، ملاصدرا می‌گوید استوای بر عرش که در ادامه‌ی آیات مربوط آمده، در روز هفتم ربوبی است که این روز با بعثت نبی خاتم(ص) و نزول قرآن کریم آغاز و با ظهور اوصیای وی (محمدیین علیهم السلام) و دولت‌های حقه‌ی آنان استمرار و به ظهور مهدی موعود(عج) می‌انجامد و در نهایت، با قیامت کبرا پایان می‌یابد. وی معتقد است این روز ربوبی زمان ظهور ذات اقدس الاهی است که با گذر هر روز از آن، افول اختفای آن ذات و افزایش ظهور آن را شاهدیم تا زمانی که با قیامت کبرا ظهور تام و کامل آن ذات اقدس تحقق می‌یابد و دوران اختفا به طور کامل پایان می‌پذیرد و استوای خداوند بر عرش، آشکار خواهد شد. همچنین معتقد است که طول مدت این روز نیز هزار سال است و همان روز جمعه‌ی ربوبی یا یوم الجمع است که روز حشر مخلوقات و حساب‌رسی آنهاست.

در نگاه کلی، دیدگاه ملاصدرا در باب آیات «سته ایام» آن است که این ایام شش‌گانه، به انضمام روز استوای الاهی بر عرش، به یک هفته‌ی ربوبی اشاره دارد که شامل هفت روز از روزهای ربوبی است (از شنبه تا جمعه) و هریک از این ایام هفت‌گانه‌ی ربوبی منسوب به یکی از کواکب هفت‌گانه است؛ بنابراین بر اساس این دیدگاه، طول عمر آسمان‌ها و زمین و مابین آن یا به عبارتی طول عمر دنیا هفت‌هزار سال خواهد بود (نک: ۱۹، ج ۶، صص: ۲۸ - ۳۲، ۵۰ - ۵۱، ۱۶۰ - ۱۶۱؛ ۱۶، ص: ۸۸؛ و ۱۸، ص: ۹۲).

۴. مبانی تفسیری ملاصدرا در باب طول عمر دنیا

صدرالمتألهین در تفسیر قرآن و استمداد از عناصر و ابزارهای مورد نیاز برای تفسیر، دارای نوعی روش‌مندی علمی و منطقی است (نک: ۱۱، بخش «روش تفسیری صدرالمتألهین»؛ و ۱۰، ص: ۲۰۶). بدین‌رو، قطعاً رأی تفسیری خویش را در باب طول عمر دنیا مبتنی بر مبانی و مستندات ناموده است که هرکدام در جای خود، در خور تأمل و بررسی است. در ادامه، مبانی و ادله‌ی تفسیری وی را یادآوری می‌کنیم:

۴.۱. توجه به سیاق آیات

۴.۱.۱. مراد از «یوم» در این دسته از آیات، یوم الله یا روز ربوبی است: از آن‌جاکه در هفت آیه^۷ از قرآن کریم به مسأله‌ی آفرینش شش‌روزه اشاره شده است و در هرکدام از این آیات، کلام با واژگان رب، الله، هو، الذی و در یک آیه، با ضمیر متکلم «نا» آغاز شده است، می‌توان گفت که واژه‌ی ایام در این آیات، منسوب به حضرت باری تعالی است، نه منسوب به عالم دنیا.

۴.۱.۲. طول مدت روز هفتم ربوبی هزار سال است: با توجه به سیاق آیات مذکور، فهمیده می‌شود که در پنج آیه از آیات مورد بحث، بلافاصله بعد از مسأله‌ی خلقت در سته ایام، به موضوع «استوای علی العرش» اشاره شده که مراد از آن، مقام تدبیر الاهی است (۱۹، ج ۶، ص: ۳۸)؛ بدین‌نحو که در آیات ۴ و ۵ سوره‌ی سجده، پس از ذکر مسأله‌ی استوای علی العرش، در آیه‌ی بعد، سخن از تدبیر امور به میان آمده و در آیات دیگر نیز بلافاصله در ادامه‌ی آیه یا در آیه‌ی بعد یا در چند آیه‌ی بعد، با اندکی فاصله، موضوع تدبیر امور آسمان‌ها و زمین، چه به‌نحو صریح و چه غیرصریح، مطرح شده است. حال که بر اساس سیاق آیات، معلوم گردید که مراد از استوای علی العرش، همان تدبیر الاهی است، با توجه به صریح آیه‌ی ۵ سوره‌ی سجده، روشن می‌گردد که طول مدت روز هفتم، یعنی روز استوای علی العرش یا همان روز تدبیر الاهی برابر با هزار سال از سال‌های دنیایی است.

۴.۲.۲. آفرینش آسمان‌ها و زمین تدریجی است: ملاصدرا در ذیل آیه‌ی ۴ از سوره‌ی سجده، با تمسک به آیه‌ی ۲۹ از سوره‌ی رحمن (كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ) این معنا را تأیید می‌کند که مدت زمان بقای تمامی موجودات زمانی عین مدت زمان انشای آن‌هاست (۱۹، ج ۶، ص: ۳۳). براین‌اساس، هر موجودی در این جهان، چه در عالم علوی (آسمان) و چه در عالم سفلی (زمین) از آن حیث که زمانی‌اند، پیوسته تقاضای افاضه دارند و هر دم خداوند در حال آفرینش تازه‌ای است؛ بنابراین آفرینش چیزی نیست که فقط حالت حدوث و دفعی داشته، سپس خداوند از آن فراغت یافته باشد؛ چنان‌که یهود پنداشته است (۲۸، ج ۲، ص: ۴۳۳).

۳.۴. به‌کارگیری «مشهورات» در صورت قیاس

۳.۴.۱. میان طول عمر دنیا با تعداد کواکب هفت‌گانه، تناسب عددی است: «مشهورات» در منطق یعنی قضایایی که زبانزد همگان است و موجب اعتقاد بدان یا شهادت همه‌ی مردم یا اکثریت آن‌ها یا شهادت همه‌ی دانشمندان یا اکثر آن‌هاست (۹، ج ۲، ص: ۳۷۱). ملاصدرا همچنین با گنجاندن گفتار مشهور میان جمیع مردم درباره‌ی طول عمر دنیا در ضمن مقدمات قیاس خویش، سعی در تأیید جدی‌تر این نظریه دارد. این قضیه‌ی مشهور آن است که طول عمر دنیا بر اساس تعداد کواکب هفت‌گانه^۱ هفت هزار سال است (۱۹، ج ۶، صص: ۲۹ - ۱۶۱).

۳.۴.۲. موضوع خلق آسمان‌ها و زمین با آفرینش آدم (ع) مرتبط است: وی با تکیه بر نظر مشهور، می‌گوید که آغاز وجود عالم کائنات و پیدایش موجودات مقارن با پیدایش آدم (ع) و فرزندان او بوده است؛ چراکه بنی‌آدم از انواع شریفی است که عالم منفک از آن نیست و دوام آن منوط به بقای اشخاص است (۱۹، ج ۶، ص: ۳۲). براین‌اساس، وی مسأله‌ی خلقت آسمان‌ها و زمین را در آیات مذکور، به مسأله‌ی خلقت آدم (ع) بی‌ربط نمی‌داند.

۳.۴.۴. تکیه بر منقولات متواتر تاریخی

۳.۴.۴.۱. خلق آسمان‌ها و زمین در طی شش روز به پایان رسید: ملاصدرا اظهار می‌کند که تمامی مذاهب و فرق، از یهود و غیر آن، بر این موضوع اتفاق نظر دارند که امر آفرینش آسمان‌ها و زمین در روز هفتم به پایان رسید و خداوند از این امر فارغ شد. اگرچه برخی معتقدند روز هفتم همان شنبه است، بر اساس آنچه ذکر شد، روز هفتم همان روز جمعه است (۱۹، ج ۶، ص: ۱۶۱).

۳.۴.۴.۲. از زمان خلقت آدم (ع) تا بعثت رسول خاتم (ص) شش هزار سال طول کشید: صدرالمتألهین با تکیه بر آنچه تاریخ‌نگاران و منجمان مضبوط داشته‌اند، می‌گوید از آفرینش حضرت آدم (ع) تا نزول قرآن، شش هزار سال است (۱۹، ج ۶، ص: ۲۸؛ ۱۶، ص: ۸۸؛ و ۱۷، ص: ۶۸).

۳.۴.۵. توجه به معانی لفظی و متعارف الفاظ قرآن کریم

۳.۴.۵.۱. خلق به معنای تقدیر است: برخی مفسران در مواجهه با آیات «سته ایام»، در صدد تأویل این آیه برآمده‌اند و لفظ «خلق» را بر غیر معنای ظاهری آن حمل کرده‌اند. در تفسیر منسوب به محیی‌الدین عربی^۲، مفسر برای خروج از تنگنا دست به تأویل زده، غرض از لفظ «خلق» را در این آیات، «احتجاب و درپرده‌رفتن» دانسته است. براین‌اساس،

معنای قول خداوند آن است که ذات اقدس خداوندی به واسطه‌ی آسمان‌ها و زمین، شش روز از پیدایش آدم (ع) تا زمان ظهور حضرت محمد (ص) در حجاب فرو رفت (۴، ج ۱، ص: ۲۳۷). در مقابل، ملاصدرا نه تنها این رأی را نپذیرفته، بلکه معتقد است خروج الفاظ قرآنی از معانی متعارف و مشهورش موجبات تحیر مردم و التباس مطلب را برایشان فراهم می‌سازد، چراکه قرآن برای هدایت بندگان نازل شده است، نه برای سرگردانی آن‌ها؛ لذا واجب است هر مفسر لغات قرآن را بر همان معنایی که برایش وضع شده حمل نماید (۱۹، ج ۶، ص: ۳۰ - ۳۱؛ نیز نک: ۲۳).

۴.۶. تکیه بر مقدمات و اصول فلسفی و عقلانی

اگرچه صدرالمتألهین در تفسیر خویش، آمیخته‌ای از عرفان و برهان و بهره‌گیری از استدلال و اشراق را به کار گرفته است، شیوه‌ی ذوق عرفانی صرف در تفسیر وی دیده نمی‌شود و گاهی همان ملاصدرا صاحب *سفار* در تفسیر وی جلوه‌گر می‌شود؛ لذا برازننده است تفسیر وی را تفسیری فلسفی دانست که گاهی در آن به مطالب عرفانی نیز پرداخته شده است (۲۸، ج ۲، ص: ۴۳۰).

۴.۶.۱. خلق یا حدوث آسمان‌ها و زمین به صورت دفعی ممکن نیست: مفسران در مواجهه با آیات «سته ایام» با یک اشکال جدی روبه‌رو هستند. اشکال آن است که از ظاهر آیات به دست می‌آید که زمان و اجزای آن (یوم و ساعه و...) مقدم بر پیدایش عالم و اجرام آسمانی بوده است، در حالی که زمان مقدار و اندازه‌ی حرکت است؛ بنابراین لازم است ابتدا افلاک و کواکب خلق شده باشد تا بر اثر حرکت و گردش آن‌ها زمان پدید آید؛ چراکه زمان متأخر از حرکت و حرکت متأخر از جسم است (۲۰، ج ۳، ص: ۱۲۰). از منظر ملاصدرا، تاکنون هیچ‌کس پیش از او نتوانسته است پاسخی علمی در این باره ارائه کند؛ لیکن او توانسته با تکیه بر شش مقدمه‌ی فلسفی و نیز حفظ ظاهر آیه، تفسیر تازه‌ای از این آیات ارائه کند.

به‌طور اجمالی، تمهیدات وی برای اثبات این مدعا چنین است:

۱. موجودات بر سه قسم‌اند که یک قسم از آن‌ها، هم در وجود و هم در تعقل، به صورت، حرکت و زمان نیازمند است که از این قسم، با عنوان «طبیعیات» یاد می‌شود؛
۲. برای وجود و پیدایش هر یک از این موجودات، عالمی مخصوص به خود آن‌ها وجود دارد که در این میان، عالم دنیا برای طبیعیات است. انسان نیز برای درک هر یک از این موجودات، مشاعر مخصوصی دارد که با «حس»، دنیا و هر آنچه در آن است، درک می‌شود؛

۳. گاهی یک شیء از جهت ماهیت و حقیقت، امری عقلی یا مفهومی معقول محسوب می‌شود، لیکن از جهت تشخص (وجود) از اموری است که نیازمند به ماده و انفعالات مادی است؛

۴. جهان و آنچه در آن وجود دارد نیز برای آن که شکل و موقعیت و دیگر جنبه‌های تشخص را به خود بگیرد، به ماده و اعراض و انفعال آن نیاز دارد؛

۵. زمانی شیء تشخص می‌یابد که به وسیله‌ی ادراک حسی درک‌شدنی باشد و زمانی حس به یک شیء دسترس دارد که وجود آن شیء از ماده و عوارض مادی باشد؛

۶. زمان بقای امور تدریجی‌الوجود عین زمان حدوث آنهاست.

وی با تکیه بر این مقدمات، نتیجه می‌گیرد که آسمان و دیگر امور مادی، شخصیت محسوس دارند؛ یعنی موجودی زمانی‌اند و هر موجود زمانی (مانند آسمان‌ها و زمین و مابین آنها) ناگزیر به تدریج حاصل و حادث می‌شود. از این رو، مدت زمان طول عمر آن عین مدت زمان حدوثش (خلق) (شش روز) است؛ یعنی همواره به افاضه‌ی وجود نیاز دارد؛ پس آفرینش چیزی نبوده که تنها حالت حدوثی و دفعی داشته باشد و سپس خداوند از آفرینش فراغت یافته باشد؛ چراکه خدای متعال می‌فرماید: «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»^{۱۰} (۱۹، ج ۶، صص: ۳۰ - ۳۳، ۲۸، ج ۲، ص: ۴۳۳).

بنابراین آنچه فهم می‌شود این است که ممکن نبودن خلق دفعی آسمان‌ها و زمین، ریشه در نقص ذاتی آنها دارد، نه ضعف جاعل آنها؛ چراکه وجودی امتدادی دارند (۲۵، ص: ۵۲۴). درک این موضوع (مانند موضوع قدرت خدا در باب زمین و جای دادن آن در یک تخم‌مرغ) با اصل «عدم تعلق قدرت خدا به محالات»، حل‌شدنی است. البته شایان ذکر است که استواری رأی ملاصدرا درباره‌ی این موضوع، مبتنی بر نظریه‌ی حرکت جوهری اوست که از اصول مهم فلسفی‌اش به شمار می‌رود (۲۷، ص: ۹۶).

۴. ۷. استناد به روایات نبوی

صدرالدین شیرازی در کتب تفسیری خویش، از احادیث معصومین علیهم السلام و اقوال صحابه و تابعان برای دستیابی به بطون قرآن و تأویل آن بهره برده است. وی ذیل آیه‌ی «سته ایام» در سوره‌های سجده و حدید، به روایات متعددی از پیامبر(ص) برای تأیید رأی تفسیری خود متوسل شده است.

در ادامه، این اخبار می‌آید:

۴.۷.۱. روز هفتم ربوبی با بعثت پیامبر (ص) آغاز و با برپایی قیامت، پایان

می‌یابد: صدرالمآلهین معتقد است ظهور ذات اقدس حق از پس حجاب اشیاء (خلق آسمان‌ها و زمین) در روز هفتم یعنی یوم الجمع و زمان استوای حق بر عرش و «روز ظهور به اسماء» آغاز می‌گردد و هرچه از این روز بگذرد، ظهور شدت می‌یابد و فنا رو به افول می‌گذارد. در پایان این روز که قیامت برپا می‌گردد، ظهور کامل می‌شود. وی مضمون این مطلب را با توجه به دو حدیث نبوی ذیل تأیید می‌کند:

حدیث اول: قال (ص): «بعثتُ أنا و الساعةُ كهاتین و جمع بین السبابةُ و الوسطی»^{۱۱}: من و قیامت چون دو انگشت (وسطی و سبابه) با هم برانگیخته شدیم (و من چون انگشت وسطی بر سبابه پیشی گرفتم)؛ یعنی ظهور من پیش‌تر از قیامت است؛ حدیث دوم: قال (ص): «بعثتُ فی نفس الساعةُ؛ فسبقتها كما سبقت هذه هذه»^{۱۲} (مراد از این ضمائر اشاره، انگشت وسطی و سبابه است) (۱۹، ج ۶، ص: ۱۶۰).

روایت اول بخشی از یک خبر است که از طرق متعددی در کتب شیعه و اهل سنت نقل شده است (نک: ۲۹، ص: ۱۸۸؛ ۲۴، ج ۲، صص: ۲۶۳ و ۳۰۱ - ۳۰۹ و ج ۷۴، ص: ۱۲۴؛ ۷، ج: ۴۹۹۵، ج ۱، ص: ۲۰۳۱).

۴.۷.۲. یک روز نزد خداوند، برابر با هزار سال دنیایی است: وی در تأیید این

مطلب که مدت یوم ربوبی برابر با هزار سال دنیایی و نصف آن برابر با پانصد سال است، به دو خبر از پیامبر اکرم (ص) استناد می‌کند. در این اخبار، یوم به معنای یوم ربوبی استعمال شده است:

حدیث اول: قال (ص): «إنی لأرجو أن لایعجز امتی عند ربها أن یؤخرهم نصف یوماً عنی خمسمائة سنة»^{۱۳}: امیدوارم امتم ناتوان نشوند از این که پروردگارشان زمان آنان را نصف روز، یعنی پانصد سال به تأخیر بیندازد.

حدیث دوم: قال (ص): «إن استقامت امتی فلها یوم و إن لم تستقم فلها نصف یوم»^{۱۴}: اگر امت من استقامت کنند، برای آنان یک روز طول می‌کشد و اگر استقامت نکنند، برای آنها نصف روز طول می‌کشد (۱۹، ج ۶، ص: ۲۹).

۴.۷.۳. عمر دنیا هفت هزار سال است: حکیم فرزانه صدرالمآلهین در راستای

تأیید رأی تفسیری خویش مبنی بر بقای هفت‌هزار ساله‌ی عالم دنیا به روایت نبوی استناد می‌کند که آن حضرت فرمود: «عمر الدنیا سبعة آلاف سنة. بعثتُ فی آخرها ألفاً»^{۱۵}: طول عمر دنیا هفت هزار سال است که من در هزار الهی آخر آن مبعوث شدم (۱۹، ج ۶، صص: ۵۲ - ۱۶۸).

۴.۸. بهره‌گیری ملاصدرا از آرای مفسران پیش از خود

وی افزون بر نقل اقوال مفسرانی مانند مجاهد و دیگران در تفسیر خود، ذیل این آیات (نک: ۱۹، ج ۶، ص: ۱۵۸ - ۱۵۹)، از نظریات برخی مفسران پیش از خود استفاده کرده است. از مقایسه‌ی تفسیر عرفانی ابن‌عربی با تفسیر ملاصدرا ذیل این دسته از آیات، فهم می‌شود که وی گاه در این‌باره متأثر از آرای ابن‌عربی بوده است.

با دقت در تفسیر ابن‌عربی ذیل آیات «سته ایام» به دست می‌آید که وی مراد از ایام را ایام الهی یا آخرتی و برابر با هزار سال می‌داند. او این مدت شش‌هزار سال را مدت اختفای الهی می‌داند که از زمان آدم (ع) تا زمان حضرت محمد (ص) را شامل می‌شود. شیخ اکبر، محیی‌الدین عربی، همچنین معتقد است که استوای علی العرش اشاره به روز آخر یعنی روز هفتم دارد که همان روز جمعه و زمان تجلی ذات حق به جمیع صفات خود است. وی اظهار می‌کند که روز آخر با ختم نبوت و ظهور ولایت، آغاز و با خروج مهدی (عج) در پایان روز هفتم، ظهور کامل می‌شود. او طلوع صبح روز آخر را زمان بعثت پیامبر اکرم (ص) و وسط روز را زمان ظهور مهدی (عج) می‌داند. وی پس از بیان نظریاتش می‌گوید که به‌همین خاطر گویند مدت دنیا هفت‌هزار سال است.

اگرچه به‌ظاهر، حکیم شیرازی تا بدین‌جا تقریباً متأثر از تفسیر ابن‌عربی و دنباله‌رو اوست، نظریات متفاوت و متمایزی در تفسیر ملاصدرا نسبت به ابن‌عربی وجود دارد. صدرالمتألهین از یک‌سو به‌دلیل احساس نیاز به طرح بحث فلسفی و کلامی در باب مفهوم خلق یا آفرینش خداوند در زمان، و از سوی دیگر، پایبندی به اصول هرمنوتیکی و تفسیری خود، از این حد (بخش مشابه) فراتر رفته است که در تفسیر ابن‌عربی مشاهده نمی‌شود (برای توضیح بیشتر، نک: ۲۳). شایان ذکر است که رأی ابن‌عربی نیز در برخی موارد، تفاوتی جدی با نظر ملاصدرا داشته، تأویلات متمایزی را مطرح کرده است؛ از جمله تأویل واژه‌ی خلق به «احتجاب و اختفا»؛ آسمان به «ارواح» (جواهر) و «روح جنین»؛ زمین به «اجساد یا اجسام» (أعراض) و «بدن جنین»؛ تأویل سته ایام به «جهت شش‌گانه» و نیز «ماه‌های شش‌گانه» (نک: ۴، ج ۱، ص: ۲۳۷ - ۲۹۴ و ج ۲، ص: ۸۹-۱۴۲ - ۲۸۲ - ۳۱۷).

۴.۹. بهره‌مندی از کشف و شهود روحانی

تفسیر صدرالدین شیرازی سرشار از معارفی است که خاستگاه آن‌ها ذوق عرفانی و شوق باطنی است و به نقل از خود ایشان، افاضاتی ملکوتی است که شامل حال صاحبان بصیرت می‌گردد (۲۸، ج ۲، ص: ۴۳۰). از منظر این عالم بزرگ، راسخان در علم، کسانی هستند که افزون بر حفظ صورت‌اعیان مذکور در آیات قرآن (مانند یوم و...) و پیروی از روش علمای تفسیر، با بهره‌مندی از الطاف خاصه‌ی الهی، موفق به کشف حقایق و معانی و

اسرار و اشارات در فهم تنزیل و تحقیق تأویل گردند (۱۹، ج ۶، ص: ۳۵). همچنین در تفسیر آیات سته ایام نیز مکرراً از عباراتی مانند کشف الهامی، اشارات عرشیه و مکاشفه استفاده کرده است (۱۹، ج ۶، صص: ۳۱ - ۳۹ - ۱۶۰).

۵. کاستی‌های نظریه‌ی ملاصدرا

افزون بر مستندات پیش‌گفته، آنچه از اتقان و استواری نظریه‌ی این دانشمند بزرگ و حکیم فرزانه می‌کاهد، وجود کاستی‌ها و اشکالاتی است که از ظاهر بیان نظریه‌ی او به دست می‌آید. سه اشکال جدی و در خور تأمل در پی می‌آید:

۵.۱. مقارنت پیدایش عالم با آفرینش آدم (ع)

وی اظهار داشته است که پیدایش و ابتدای دنیا منفک از خلقت آدم (ع) و فرزندان او نبوده است. از ظاهر این کلام استفاده می‌شود که گویی پیش از آدم (ع) موجودی روی زمین نمی‌زیسته یا آن که اصلاً هیچ چیزی حتی زمین هم وجود نداشته است. این اندیشه از چهار نظر اشکال دارد:

۱. ناسازگاری با ظاهر برخی آیات قرآن کریم و روایات اسلامی

اگرچه قرآن اشاره‌ی صریحی به کیفیت پیدایش نوع انسان ندارد، از ظاهر برخی آیات مانند «قَالُوا أَمْ تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ» (بقره/۳۰) مستفاد است که قبل از آدم (ع) و فرزندان او نسل یا نسل‌هایی از انسان در زمین زندگی می‌کرده که منقرض شده‌اند (نک: ۲۱، ج ۴، صص: ۲۲۱ - ۲۲۳). افزون بر این، بر اساس دسته‌ای از روایات نیز نه تنها نسل انسان محدود به آدم (ع) و فرزندان او نمی‌شود، بلکه سابقه‌ی ادوار بسیاری از بشر قبل از دوره‌ی خلقت آدم (ع) با عنوان «نسناس» ثابت شده که همگی منقرض شده‌اند (از باب نمونه نک: ۲۴، ج ۵۴، ص: ۳۲۲ و ج ۵۷، ص: ۲۴۶).

۲. تعارض جدی میان این دیدگاه با یافته‌های علمی در باب عمر نوع بشر

دانشمندان ژئولوژی (زمین‌شناسی) تاریخی طولانی برای زندگی نوع بشر بر صفحه‌ی زمین قائل هستند. تحقیقات باستان‌شناسان حاکی از آن است که سن پیدایش انسان به میلیون‌ها سال می‌رسد. فسیل‌شناسان قدمت تازه‌ترین فسیل‌های کشف‌شده از بقایای انسان اولیه را از ده‌ها و صدها هزار تا هفت میلیون سال ثبت کرده‌اند (از باب نمونه، نک: ۵؛ ۱۵؛ ۳۲؛ ۳۱؛ ۱۳). این اطلاعات و ارقام مضبوط نشان از سابقه‌ی دیرین زندگی گونه‌های انسانی در زمین دارد. البته شایان ذکر است که منابع تاریخی کهن مانند تاریخ یهود عمر نوع بشر را بیش از هفت هزار سال نمی‌دانند و این مطلب منافاتی با یافته‌های دانشمندان

علوم تجربی مبنی بر عمر میلیونی نوع بشر ندارد؛ زیرا همان طور که گفته شد، قبل از آدم (ع) هزاران نسل از انسان وجود داشت (۲۱، ج ۴، ص: ۲۲۲).

۳. ناسازگاری با یافته‌های زیست‌محیطی

دانشمندان با کشف فسیل‌های مربوط به بقایای جانورانی که در دوران‌های بسیار کهن زندگی می‌کرده‌اند، مدت طولانی حیات روی زمین را ثابت نموده‌اند. قدمت برخی از این آثار برجامانده مربوط به ده‌ها میلیون سال قبل است (از باب نمونه، نک: ۶؛ ۱۲). حال چگونه می‌توان عمر شش‌هفت هزار ساله‌ی آدم(ع) را برابر با عمر حیات روی زمین و آفرینش عالم دانست؟!

۴. تنافی با نظریات علمی در باب پیدایش اولیه‌ی جهان و عمر آن

نظریات ارائه‌شده از سوی کیهان‌شناسان حاکی از آن است که عالم هستی در میلیارد‌ها سال قبل پدید آمده است. نظریه‌ی «انفجار بزرگ» یا «ابرچگال» از نظریات علمی مقبول در باب پیدایش کیهان است و بیشترین طرفدار را دارد. بر اساس این نظریه، انفجار ماده‌ی اولیه‌ی خلقت (آتش‌گویی وسیع و متشکل از گازهای بی‌نهایت چگال و سوزان) مربوط به پانزده میلیارد سال قبل است که بر اثر انبساط بی‌وقفه و تدریجی این ماده و نیز تقسیم آن، کهکشان‌ها و ستارگان پدید آمده‌اند (۲۶). بخش پیدایش جهان از نظر علم). دانشمندان قدمت کهکشان راه‌شیری را ده‌میلیارد سال تخمین زده‌اند و معتقدند که بیش از پنج‌میلیارد سال نیز از تشکیل منظومه‌ی شمسی می‌گذرد. همچنین فیزیک‌دانان نجومی با بررسی رادیواکتیویته‌ی طبیعی، سن زمین و زمان تکوین خورشید را حدود چهار و نیم میلیارد سال برآورد کرده‌اند (۸، ص: ۱۹۷). حال با وجود این تفاوت چشمگیر در زمان خلقت عالم و آدم (ع)، چطور ممکن است که آفرینش این دو مقارن باشد؟!

۵. ۲. عمر هفت‌هزارساله‌ی دنیا

از ظاهر کلام حکیم بزرگ صدرالمتألهین دریافت می‌شود که عمر دنیا و بقای آن هفت‌هزار سال است، که شش‌هزار سال و اندی از آن سپری شده است و اکنون اواخر عمر آن است. بر اساس اظهارات وی، از ابتدای بعثت نبی اکرم (ص) تا پایان روز هفتم، هزار سال باید سپری شود. این در حالی است که حیات شخص ملاصدرا در پایان هزاره‌ی هفتم بوده و قریب به پنجاه سال نیز از آن گذشته است؛ چراکه وی در سال ۱۰۵۰ درگذشته است. حال چگونه ممکن است این حکیم بزرگ مرتکب چنین خطای فاحشی شده باشد؟! و اما نکته‌ی تنافی دیگر آن است که وی اظهار داشته در اواسط روز هفتم، ظهور مهدی موعود (عج) و در انتهای آن قیامت خواهد بود، حال آن‌که نه‌تنها بیش از هزار سال (۱۴ قرن) از بعثت نبی اکرم(ص) سپری شده، بلکه زمان ظهور منجی موعود نیز فرانسیده

طول عمر دنیا از دیدگاه تفسیری ملاصدرا ۴۳

است و علاوه بر آن، مدت زمان بقای حکومت دولت حقه‌ی آن امام معصوم (ع) و رجعت نیز باید سپری شود تا قیامت برپا گردد. با لحاظ زمان این دوره‌ها، چطور می‌توان بر عقیده‌ی هزارساله بودن روز هفتم پایبند ماند؟!

۵. ۳. وقوع قیامت کبرا در پایان هزاره‌ی هفتم

از منظر قرآن کریم، زمان پایان عمر دنیا مصادف با واقعه‌ی عظیم قیامت است. از سوی دیگر، آیات قرآن زمان برپایی قیامت را نامشخص می‌دانند و با عباراتی چون «عنده علم الساعة» (لقمان/۳۴؛ زخرف/۸۵) و نیز «انما علمها عند الله» یا «عند ربی» (احزاب/۶۳؛ اعراف/۱۸۷) علم آن را مخصوص به خداوند می‌دانند؛ اما آنچه از ظاهر کلام حکیم شیرازی فهم می‌گردد، به‌نوعی تخمین یا تعیین روز قیامت کبراست که در پایان هزاره‌ی هفتم تحقق می‌یابد. در این صورت، کلام وی معارض با آیات قرآن است.

۶. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

۱. موضوع طول عمر دنیا از مقولاتی است که افزون بر بحث‌انگیزی آن، محلّ اختلاف جدی اندیشمندان و مذاهب مختلف قرار گرفته است. از جمله اقوال مطرح‌شده در این باب، عمری معادل هفت‌هزار سال برای دنیا است که اکثر اخباریان مسلمان طرفدار این قول هستند. البته آنچه نظر صدرالدین شیرازی را از این گروه متمایز می‌سازد، خاستگاه اصلی سخن اوست؛ بدین نحو که با تکیه بر ظاهر برخی آیات قرآن که در بردارنده‌ی موضوع «آفرینش عالم طی شش روز» و سپس استوای حضرت حق بر عرش است، طول عمر و بقای دنیا را معلوم می‌داند. لیکن اهل خبر سخن خویش را از ظاهر برخی احادیث و نیز منقولات تاریخی استخراج کرده‌اند، نه از آیات قرآن؛

۲. به نظر می‌رسد نخستین کسی که نظریه‌ی عمر هفت‌هزارساله‌ی دنیا را از آیات قرآن استخراج نموده، حکیم شیرازی باشد. با بررسی تطبیقی تفسیر وی با سایر تفاسیر، رگه‌هایی از مشابهت در میان آرای وی و آرای تفسیری - عرفانی ابن‌عربی (م ۶۳۸ ق) را می‌توان یافت؛ لیکن وجود نظریات متفاوت و متمایز در تفسیر ملاصدرا، که محصول روش‌مندی تفسیر وی و نیز نگاه توفیقی او به عرفان و برهان است، حاکی از عدم اقتباس این رأی از ابن‌عربی است. همچنین در تفسیر ابن‌عربی نیز در برخی موارد، تفاوت‌های جدی به چشم می‌خورد. با وجود این، حتی اگر مقبول باشد که اصل این نظر از آن ابن‌عربی است، حداقل باید پذیرفت که ملاصدرا به شرح و بسط این نظریه به‌طور گسترده اقدام نموده است؛

۳. ملاصدرا رأی تفسیری خویش را به دلایل و قرائن نقلی و غیرنقلی، اعم از ادله‌ی قرآنی، روایی، تاریخی، فلسفی و عرفانی، مستند نموده است که موجبات اتقان اولیه‌ی نظرش را فراهم می‌سازد؛

۴. به‌رغم مستندات مهمی که صدرالمتألهین ارائه کرده است، وجود اشکالات و کاستی‌هایی در بیان نظریه‌ی وی سستی و ناستواری این رأی را ثابت می‌نماید؛ اشکالاتی که نشان از ناسازگاری و تعارض این نظر با ظاهر برخی آیات و روایات اسلامی، یافته‌های علوم تجربی در زمینه‌ی کیهان‌شناسی و زمین‌شناسی و نیز واقعیات عینی و منطقی دارد؛

۵. حال با ملاحظه‌ی کاستی‌های موجود در این نظر، آنچه به ذهن متبادر می‌گردد این است که چگونه ممکن است آن حکیم بزرگ مرتکب چنین خطاهای فاحشی شده باشد؟! این امر بعید به نظر می‌رسد؛ چراکه وی افزون بر توانمندی‌های فکری و علمی فوق‌العاده، اطلاعات مکفی نیز بر منابع اسلامی اعم از آیات و روایات داشته است؛ لذا بررسی دیدگاه ملاصدرا در این موضوع، تأمل و بررسی بیشتری می‌طلبد.

یادداشت‌ها

۱. ذیل خطبه‌ی ۱۹۱ نهج‌البلاغه، مبحث اختلاف اقوال فی عمر الدنيا. شماره‌ی خطبه‌ی مذکور نیز در برخی نسخ مانند دشتی ۱۹۸ است.
۲. انبیاء/۱؛ قمر/۱.
۳. ملاصدرا در زمینه‌ی تفسیر، به‌طور ناپیوسته، سوره‌های حمد، بقره (تا آیه ۶۵)، نور، سجده، یس، واقعه، حدید، جمعه، طارق، اعلی، زلزال و نیز آیه‌الکرسی را در هفت مجلد تفسیر کرده است (۲۸، ج ۲، ص: ۴۲۹).
۴. اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ (سجده/۴).
۵. هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ (حدید، ۴).
۶. شایان ذکر است که موضوع آفرینش شش‌روزه در هفت آیه از سور مختلف، مطرح شده است. ملاصدرا در میان این سور، تنها سوره‌های سجده و حدید را تفسیر نموده است.
۷. هفت آیه‌ی منظور عبارت است از: اعراف/۵۴؛ یونس/۳؛ هود/۷؛ ق/۳۸؛ حدید/۴؛ فرقان/۵۹؛ سجده/۴.
۸. برای اطلاع بیشتر از کواکب هفت‌گانه، نک: (۱۴، ج ۳، ص: ۱۴۳۷).
۹. این تفسیر توسط عبدالرزاق کاشانی گردآوری شده است (۲۸، ج ۲، ص: ۴۱۵).
۱۰. رحمن / ۲۹.
۱۱. به نقل از ترمذی: کتاب الفتن، باب ما جاء فيقول النبي (ص): (ج ۴، ص: ۴۹۷).
۱۲. به نقل از ترمذی: کتاب الفتن، باب ما جاء فيقول النبي (ص): (ج ۴، ص: ۴۹۶).
۱۴. به نقل از ابی‌داوود: کتاب الملاحم، باب قیام الساعة: (ج ۴، ص: ۱۲۵).

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحدید، (۱۳۷۸)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیت الله مرعشی.
۳. ——— (۱۳۸۳)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیت الله مرعشی.
۴. ابن عربی، محیی الدین محمد، (۱۴۲۲)، تفسیر ابن عربی، بتحقیق سمیر مصطفی رباب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. ایرنا، (۲۶ آذر ۱۳۹۲)، «کشف قدیمی ترین استخوان دست انسان»، کد خبر: ۸۰۹۵۵۸۷۸ (۳۷۱۹۹۲۸). www.irna.ir
۶. — (۷ آذر ۱۳۹۲)، «کشف فسیلی از دایناسور گول آسای گوشت خوار»، کد خبر: ۸۰۹۲۶۵۸۹ (۳۶۷۹۹۵۴). www.irna.ir
۷. البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۷)، الجامع الصحیح المختصر، الطبعة الثالثة، بیروت: دار ابن کثیر.
۸. بوکای، موریس، (۱۳۶۸)، مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ی ذبیح الله دبیر، چاپ چهارم، تهران: فرهنگ اسلامی.
۹. خوانساری، محمد، (۱۳۸۷)، منطق صوری (۱ و ۲)، چاپ سی و هشتم، تهران: آگاه.
۱۰. دستک، فیض الله، (۱۳۸۹)، «ملاصدرا و روش های وی در تفسیر سوره ی جمعه»، فصلنامه ی حکمت و فلسفه، شماره ی سوم.
۱۱. دهقان پور، علیرضا، (۱۳۸۶)، «روش های تفسیری از دیدگاه ملاصدرا»، فصلنامه ی پژوهش های قرآنی، شماره ی ۵۱ - ۵۲.
۱۲. دیده بان، (۲۱ خرداد ۱۳۹۲)، «کشف فسیل قدیمی ترین اجداد شناخته شده ی انسان با قدمت ۵۵ میلیون سال»، www.iew.ir
۱۳. رز داروین، (۱۳۸۴)، «جمجمه های ۱۹۵ هزار ساله: کهن ترین بقایای انسان اولیه»، آگاهی، فرگشت علم داروینیسیم، www.I.darwinday.ir
۱۴. سجادی، سیدجعفر، (۱۳۷۳)، فرهنگ معارف اسلامی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. شگفتی ها، (۳ خرداد ۱۳۹۳)، «سن انسان به هفت میلیون سال رسید»، شگفتی ها؛ مرجعی برای شگفتی های جهان هستی، www.shegeftiha.com
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۰)، اسرار الآیات، به تصحیح محمد خواجه ی، تهران: انجمن حکمت.
۱۷. ——— (۱۳۸۷)، المظاهر الالهیة فی اسرار العلوم الکامله، به تصحیح سیدمحمد خامنه ای، تهران: بنیاد حکمت صدرا.

۱۸. _____ بی‌تا، *الشواهد الربوبية في مناهج السلوكية*، به تعليق و تصحيح سيدجلال‌الدين آشتياني، چاپ دوم، مشهد: المركز الجامعي للنشر.
۱۹. _____ (۱۳۶۶)، *تفسير القرآن الكريم* (صدرا)، به تحقيق محمد خواجه‌جوي، چاپ دوم، قم: بيدار.
۲۰. _____ *شرح اصول كافي*، به تصحيح محمد خواجه‌جوي، به تحقيق علي عابدي شاهرودي، تهران: فرهنگي.
۲۱. طباطبائي، سيدمحمدحسين، (۱۳۷۴)، *الميزان في تفسير القرآن*، ترجمه‌ي سيدمحمدباقر موسوي همداني، چاپ پنجم، قم: حوزه‌ي علميه.
۲۲. فتوت، حامد، (۱۷ آبان ۱۳۹۱)، «مفهوم هفت آسمان و خلقت شش روزه»، <http://quranpapers.persianblog.ir>
۲۳. كيلر، آنابل، بي‌تا، «تفسير ملاصدرا بر سوره‌ي سجده»، www.mullasadra.org.
۲۴. مجلسي، محمدباقر، بي‌تا، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، تهران: اسلاميه.
۲۵. المحقق سبزواري، محمدباقر، (۱۳۶۰)، *التعليقات على الشواهد الربوبية*، به تعليق و تصحيح سيدجلال‌الدين آشتياني، چاپ دوم، مشهد: المركز الجامعي للنشر.
۲۶. مسترجمي، سيدعيسي، (۱۳۸۷)، *قرآن و كيهان‌شناسي*، قم: پژوهش‌هاي تفسير و علوم قرآن.
۲۷. مصطفوي، زهرا، (۱۳۹۲)، «آفرينش شش‌روزه و حرکت جوهری»، دوفصلنامه‌ي حکمت صدرایی، سال اول، شماره‌ي دوم.
۲۸. معرفت، محمدهادي، (۱۳۸۷)، *تفسير و مفسران*، چاپ چهاردهم، قم: تمهيد.
۲۹. مفيد، شيخ محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳)، *امالي المفيد*، قم: کنگره‌ي شيخ مفيد.
۳۰. مکارم شيرازي، ناصر، (۱۳۹۰)، *پيام امام اميرالمؤمنين (شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه)*، قم: امام علي بن ابی طالب.
۳۱. ميراث فرهنگي، (۹ آبان ۱۳۸۵)، «کهن‌ترين فسيل انسان اوليه به ده موزه‌ي جهان سفر می‌کند»، کد خبر: ۵۳۵۶۳، www.chn.ir.
۳۲. همشهري آنلاين، (۲۰ مرداد ۱۳۹۲)، «کهن‌ترين فسيل اروپا در اسپانيا يافت شد»، کد مطلب: ۲۲۶۴۷۶، www.hamshahrionline.ir.
۳۳. mmj (۷ اسفند ۱۳۸۸)، «کشف اسکلت انسان با قدمت چهار ميليون سال»، www.askquran.ir.